

خون می چکد از قلم

نویسنده: سونیا رحمت‌نژاد | تاریخ انتشار: 2026/06/06



چه بنویسم ؟ خون می چکد از قلم
نای نوشتن که میایی، سرازیر میشوند اینهمه تصویر آغشته به خون پاک ،من من ،من رابنویس ،
من مادرم منتظر بود برگردم نان خریده باشم .
دوتا گفته بود سه تا خریدم در راه یکی را نوش جان کنم
به خون زدم و به ته نرسید
من رابنویس
امدم روسری عروسی بهاره را بخرم نمیدانم این به لباسم می آید یا نه خواستم بروم انور خیابان و بنگگگگ، به
یدرم بگو به عروسی بهاره نمی رسم
من ، من را زودتر بنویس داروهای پدربزرگ رو می آورم قول میدهم ولی چاره ای نیست باید از رگبار مسلسل
هموطنم بگذرم ،
آخ نشد که دارو برسد به تو بابا بزرگ ، دیر نکردم ، آنها مرا زود زدند

هموطنم مرا زد که حقوق آخر ماهش دو برابر شود
دارو رو امروز لازم داشتی ؟؟؟
من ، من را بگو به دنیا بگو
رفتم که دو فرزندم را از مدرسه بیاورم فقط منتظر ماکارونی ناهار بودند زدند نامردها ، رهایم نکردند ، خون
قسمت نانشان شد . دیگر اشک از چشمانشان نمیریزد ولی دیگر ماکارونی دوست ندارند
من را اول بگو
پسرم رفت که شعار بدهد برای فضای مجازی قلدری کند ، کسی را جز او نداشتم دنبالش رفتم ، جانم
بود ، عمرم
دیدم که با اسلحه به سمتش دوید ، عشق من از اسلحه او سریع تر بود ، سپر بلایش شدم ، جانم فدایش.
دلم خون همان یسپرون است که این قلم چه بنویسد
آه
کدام مادر ، نفرین کدام پدر را بگویم که آرزو می کردند کاش سینه چاک فرزند بودند
من ستری از عشق را دیدم که یسپرون قلم را به زیر پا کشید
کدام همت بلندی را ، این قلم برایت بنگارد. هموطن
من چهره ایرانم
خاک خشک آب ندیده
صحرای کربلا
که ذلت شمر را نمیخواهد که سیراب شود ، ابوالفضلی ندارم که کودکانم را سیراب کند تشنه میمانم ، پابرجا
تا از خاک خون آلود من شقایق بروید برای
آنانکه نونی دارند که معنایش و مایسپرون باشد
من مادرم ایران زمینم دختر کوروش
صبور ، پر صلابت و امیدوارم
قلمم به دست و قلمم پر از تپش مادران و پدران داغدار است
وطنم آزاد بمان
قلم ایران می نویسد